

Analysis of the effects of the capitalist system in changing the structure of the family and free sex

seyyeAabbass vaezi¹ | Ebrahim Fayaz² | Zahra Sakiani³

6

Vol. 2
Summer 2023

Abstract

The family, as the main core of a healthy society, is gradually changing its shape in such a way that many thinkers have warned against the collapse of the family and ultimately societies. The structure of the capitalist system, as the dominant structure of modern societies, over time has caused changes in the institution of the family and the creation of new forms of sexual relations outside the family. The major part of these changes is due to the rule of the rational system of calculation, which the capitalist system has ruled over the societies in order to develop itself as quickly as possible, and thinkers in the field of social sciences refer to it as "instrumental rationality". With instrumental rationality ruling over all aspects of society and economy being prioritized, the family as the main source of emotions, which is in conflict with work and economic activity, is gradually abandoned. Capitalist system's effort to produce more and train expert personnel on the one hand has caused a gap between economic maturity and sexual maturity, and on the other hand, the creation of big cities, large-scale migrations, the opportunity of anonymity and the loss of local supervision, all have caused the formation of sexual anomie and leading young people to illicit relationships and replacing it with the institution of the family.

Keywords: Illicit relationship, Capitalist system, Instrumental rationality, Family collapse

Research Paper

Received:
22 November 2023

Accepted:
30 April 2024

issuance:
20 April 2024

P.P: 75-99

ISSN: 2980-8901
E-ISSN: 2821-1685



1. Corresponding Author: PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: vaeziseyyedabbas@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Anthropology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. PhD in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Cite this Paper: vaezi, A & Fayaz'E, Sakiani' Z. Analysis of the effects of the capitalist system in changing the structure of the family and free sex. . Interdisciplinary studies of Islamic revolution civilization. , 6(2), 75-99.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۲/۱۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۲/۱۲

صص: ۹۹-۷۵

شاپا چاپی: ۸۹۰۱ - ۲۹۸۰
الکترونیکی: ۱۶۸۵ - ۲۸۲۱



تحلیل آثار نظام سرمایه‌داری در تغییر ساختار خانواده و روابط جنسی آزاد

سید عباس واعظی^۱ | ابراهیم فیاض^۲ | زهرا ساکیانی^۳

چکیده

خانواده به عنوان هسته اصلی تشکیل دهنده یک جامعه سالم به تدریج در حال تغییر شکل است به نحوی که بسیاری از اندیشمندان نسبت به فروپاشی خانواده و نهایتاً جوامع هشدار داده‌اند. ساختار نظام سرمایه‌داری به عنوان ساختار مسلط بر جوامع مدرن به مرور زمان باعث تغییر در نهاد خانواده و ایجاد اشکال جدید روابط جنسی خارج از خانواده شده است. بخش عمده این تغییرات به واسطه حاکم شدن نظام عقلانی محاسبه‌گری است که نظام سرمایه‌داری برای توسعه هر چه سریع‌تر خود بر جوامع حاکم کرده است و اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی از آن با عنوان «عقلانیت ابزاری» یاد می‌کنند. با حاکم شدن عقلانیت ابزاری بر تمام ابعاد جامعه و در اولویت قرار گرفتن اقتصاد، خانواده به عنوان منبع اصلی احساسات که در تضاد با کار و فعالیت اقتصادی به تدریج کنار گذاشته می‌شود. تلاش نظام سرمایه‌داری برای تولید بیشتر و تربیت نیروی متخصص از یک سوء باعث فاصله میان بلوغ اقتصادی و بلوغ جنسی شده و از سوی دیگر ایجاد شهرهای بزرگ، مهاجرت‌های گسترده، فرصت گمنامی و از بین رفتن نظارت‌های محلی، همگی باعث شکل‌گیری آنومی جنسی و سوق دادن جوانان به روابط نامشروع و جایگزینی آن با نهاد خانواده شده است.

کلیدواژه‌ها: رابطه نامشروع، نظام سرمایه‌داری، عقلانیت ابزاری، فروپاشی خانواده

۱. نویسنده مسئول: دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: vaeziseyedabbas@gmail.com

۲. دانشیار، گروه انسان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

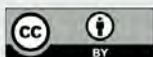
۳. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

استناد: واعظی، سیدعباس؛ فیاض، ابراهیم؛ ساکیانی، زهرا. تحلیل آثار نظام سرمایه‌داری در تغییر ساختار خانواده و روابط جنسی

آزاد، (۲)۶، ۷۵-۹۹.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

جهان مدرن با ساختاربندی جدید قدرت توانسته شکلی جدید از زندگی را متمایز از جهان سنتی بر افراد جامعه تحمیل کند. این ساختار بندی جدید با حاکمیت سرمایه‌داری بر تمامی ابعاد زندگی اجتماعی شکل گرفته و هر چند در جهان پست مدرن شاهد تغییراتی در سیاست‌های سرمایه‌داری و شکل جامعه هستیم لیکن همچنان سرمایه‌داری صنعتی یا مدرن حضور خود را در سطوح مختلف جامعه حفظ کرده است و بدون شناخت آن امکان تحلیل وضعیت کنونی جوامع وجود نخواهد داشت. یکی از آثار این حاکمیت، تغییرات گسترده در شکل خانواده و گرایش به روابط نامشروع است. گسترش روابط نامشروع در جامعه ایرانی امری غیرقابل انکار است و هر چند در پژوهش‌های متعدد تلاش شده تا به علل این وضعیت پرداخته شود لیکن نکته مغفول این پژوهش‌ها عدم توجه به علت اصلی و کلان این تغییرات یعنی حاکمیت نظام سرمایه‌داری در دوران جدید است.

سرمایه‌داری عبارت است از جستجوی منفعت از طریق سرمایه‌گذاری مستمر و با توسل به راه و روش عقلانی. یک بنگاه اقتصادی در جامعه سرمایه‌داری باید تمام تلاش خود را برای کسب سود انجام دهد و الا محکوم به شکست خواهد بود. (وبر، ۱۳۹۰: ص ۲۹) در این راستا سرمایه‌دار تمام تلاش خود را برای محاسبات عقلانی برای کسب سود انجام می‌دهد. سرمایه‌داری ذاتاً با رقابت و توسعه طلبی همراه است، لذا حیات آن در پویایی و عدم ثبات بوده (گیدنز، ۱۳۹۷: ص ۴۹) و نیازمند تحرک اجتماعی بالایی است و با ساختارهای خشک و متصلب سنتی مانند خانواده که خواهان ثبات هستند در تضاد است.

ساختارهایی که سرمایه‌داری بر روی آن بنا شده است اقتضائاتی دارد که بدون آن‌ها قدرتِ تداوم نخواهد داشت. این اقتضائات توانسته است جامعه و تمام نهادهای آن، از جمله خانواده را دچار تحولاتی بنیادین کند. در این مقاله تلاش شده است با ریشه یابی دقیق عواملی که در این راستا باعث سوق دادن افراد به روابط نامشروع می‌گردند مورد بررسی قرار بگیرد.

سرمایه‌داری را به صورت کلی می‌توان به سه دوره تقسیم نمود: دوره اولیه سرمایه‌داری که شامل قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی می‌شود. سرمایه‌داری صنعتی که از اواخر قرن ۱۸ تا اوایل قرن ۲۰

بر جوامع غربی حاکم بود؛ و سرمایه‌داری پسا صنعتی که از اواسط قرن بیستم تاکنون بر جوامع بشری حاکم شده است. در این مقاله به تغییرات سرمایه‌داری صنعتی خواهیم پرداخت و بحث پیرامون سرمایه‌داری پسا صنعتی یا مصرفی نیازمند بحثی مستقل است.

۱. گذار از سرمایه‌داری اولیه به سرمایه‌داری صنعتی

در جامعه پیشاسرمایه‌داری غربی، خانواده وظایف متعددی مانند تولید مثل، مراقبت از بیماران و سالخوردگان، پناه دهی، حفظ اموال شخصی و انتظام روابط جنسی در کنار شکل‌های اصلی تولید کالای لازم برای بقا انجام می‌داد. در چنین جوامعی تمام افراد چه کوچک و چه بزرگ حیاتشان در گرو کار جمعی در قالب خانواده بود فلذا زنان بیوه و کودکان یتیم و کسانی که مجرد باقی می‌ماندند، حیاتشان مورد تردید واقع می‌شد و همواره مستحق دلسوزی بودند. (زارتسکی، ۱۳۹۸: ص ۳۰) به کار و خانواده البته به عنوان یک امر دنیوی و پست نگریده می‌شد. ازدواج‌ها نیز با نگاهی اقتصادی و برپایه مصلحت و با انتخاب والدین صورت می‌پذیرفت فلذا اصولاً عاشقانه نبود و روابط عاشقانه نامشروع در خارج از خانه امری رایج و جاافتاده بود. (زارتسکی، ۱۳۹۸: ص ۴۷)

سرمایه‌داری اولیه به تدریج از قرن ۱۷ بر جوامع غربی مسلط شد. در این دوره از سرمایه‌داری، اخلاقیات مسیحی به صورت قدرتمندی بر اقتصاد حاکم بود به نحوی که اگر ارزان فروشی باعث آسیب به کسب و کار دیگران بود غیراخلاقی شمرده می‌شد؛ در این ساختار، اقتصاد نباید به سنت‌ها و اخلاقیات جامعه آسیب می‌زد و در واقع نگاه حاکم این بود که اقتصاد برای انسان است نه انسان برای اقتصاد؛ به نحوی که منتسکیو در کتاب روح القوانین ماشین‌هایی که تعداد کارگران را کاهش داده تبهکار می‌دانست. (فروم، ۱۳۹۲: ص ۱۰۹)

در جامعه سرمایه‌داری اولیه تولید کالا تبدیل به امری مقدس شد که ارزشی معنوی داشت و از آنجا که خانواده محل تولید کالا بود خانواده نیز ارزشی معنوی پیدا کرد. اما به تدریج با گذار از سرمایه‌داری اولیه به سرمایه‌داری صنعتی و گسترش صنایع سنگین و تخصصی‌تر شدن کارها، اقتصاد نیز به صورت کامل از خانواده خارج شد. سرمایه‌داری با ایجاد کار مزدی، اقتصاد را از خانواده جدا کرد و «کار» و «زندگی» به طور کامل از یکدیگر جدا شدند.

در این دوره ایدئولوژی قرون وسطی به شدت مورد حمله قرار گرفت و رقابت بر مبنای منافع شخصی امری طبیعی به حساب می‌آمد. این نکته باعث شد که نوعی «خودخواهی» در جامعه جدید به رسمیت شناخته شود و جزئی از ذات انسان محسوب گردد و کم کم خانواده تبدیل به رقیبی اقتصادی جدا و حتی مخالف با جامعه پنداشته شود. این تحولات باعث شد تا نظم اجتماعی جدیدی شکل بگیرد که بر مبنای انسجام خانواده و نظم سختگیرانه برای رشد اعضای آن بود. بورژوازی اولیه جامعه را متشکل از افراد نمی‌دانست، بلکه متشکل از خانواده‌هایی می‌دانست که مرکز اصلی پرورش درونی افراد بودند. (زارتسکی، ۱۳۹۸: ص ۳۰)

در این دوران همنشین اصلی همسر فرد بود. زنان کمتر در عرصه اقتصاد بودند اما کار آن‌ها درون خانواده وجهه‌ای الهی و مقدس پیدا کرد. خانواده بورژوازی شکل جدید از خانواده بود که در آن زنان خانه‌داری و مردان در بیرون از خانواده مشغول کار بودند. خانواده هسته‌ای در دوران کنونی منبعث از الگوی خانواده بورژوازی است که با تکامل شیوه‌های تولید سرمایه‌داری در اروپا به وجود آمد. (اعزاز، ۱۳۹۴: ص ۴۵)

سرمایه‌داری اولیه همان‌طور که ماکس وبر نیز در کتاب «اخلاق پروستانی و روح سرمایه‌داری» به وضوح توصیف می‌کند بر پایه قواعد اخلاقی بسیار سخت‌گیرانه شکل گرفته است اما این رویکردها به تدریج در قرن نوزدهم تغییر پیدا می‌کند و انسانیت جای خود را به سوداگری می‌دهد. سرمایه‌داری در این قرن در اثر چند عامل تغییراتی پیدا کرد: رفتار اقتصادی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی جدا شد. در واقع ماشین اقتصاد شخصیت خودمختاری تلقی شد که مستقل از نیازها و خواسته‌های بشری بود. اقتصاد قوانین خاص حاکم بر خود را داشت و رنج و مشقت کارگران و صناعی که در اثر رقابت ورشکست می‌شدند اگرچه ناراحت‌کننده بود اما جزئی از ذات اقتصاد محسوب می‌گردید. (فروم، ۱۳۹۹: ص ۱۱)

بهره‌کشی از کارگران یک اصل طبیعی برای پیشرفت فرض می‌شود که گرسنگی آن‌ها اخلاقاً هیچ مسئولیتی را متوجه کارفرما نمی‌کند. اصل در دوران سرمایه‌داری صنعتی این بود که هر کسی باید به دنبال کسب منفعت خویش باشد. بازار از قیود اخلاق سنتی به صورت کامل رهایی پیدا کرد و قاعده حاکم بر بازار را خودش تعیین می‌کرد. حتی قواعد حاکم بر روابط انسانی را نیز بازار تعیین می‌کند. در این ساختار گرسنگی صدها هزار کارگر یک امر طبیعی و اجتماعی است و

صاحب سرمایه حق داشت که برای تولید بیشتر از کارگران بهره‌کشی کند. اصل فردگرایی اقتضاء این را دارد که هر کس به دنبال سود خود باشد. قانون طبیعی حاکم بر بازار است که حرف اول را می‌زند. حتی قانون بازار است که بر روابط انسانی حاکم است. سود حرف اول را می‌زند و کاری که سود آور نباشد ابتر و پوچ است.

در قرن ۱۸ اگر کارگری حدود ۱۶ ساعت کار نمی‌کرد از گرسنگی می‌مرد. (فروم، ۱۳۹۲: ص ۱۰۹) سرمایه‌دار سود خود را در استثمار کارگران تعریف کرده بود. (تفضلی، ۱۳۸۵: ص ۸۴) ساعات کار مداوم عملاً فرصتی برای طبقه کارگر نمی‌گذاشت و برای آن‌ها امکان زندگی خانوادگی عملاً ناممکن بود. انگلیس در سال ۱۸۴۴ در توصیف طبقه کارگر بیان می‌کند که: «زندگی خانوادگی برای کارگر در نظام اجتماعی موجود تقریباً ناممکن است. اعضای خانواده تنها صبح و شب یکدیگر را می‌بینند، چون شوهر تمام روز بیرون از خانه و در محیط کار است. شاید همسر و فرزندان بزرگتر او هم برای کار بیرون بروند و ممکن است در کارخانه‌های مختلف کار کنند. در این شرایط زندگی خانوادگی چگونه می‌تواند وجود داشته باشد؟» (زارتسکی، ۱۳۹۸: ص ۱۸۳)

استثمار سرمایه‌داری در قرن ۱۹ با شرافت و انسانیت نوع بشر در تناقض بود. در این دوره حتی افکار و احساسات سرکوب می‌گشت. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین سرکوب نیز در زمینه مسائل جنسی صورت می‌گرفت. جنبش‌های اصلاحی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به دنبال از بین بردن این سرکوب‌ها و کنار گذاشتن استثمار و بازگرداندن کرامت انسانی کارگران بودند. در واقع اعتقاد بر این بود که با کنار گذاشتن اقتدار غیرمنطقی سرمایه‌داری، هزاره جدیدی پیش روی بشر خواهد بود. این مسأله به خصوص در مورد محدودیت‌های جنسی باعث شد که پس از جنگ جهانی اول، انقلابی در این زمینه ایجاد شود و ممنوعیت‌ها و تابوهای قرن نوزدهم به کناری گذاشته شود و هر نوع عدم ارضای جنسی، مخالف بهداشت روانی تلقی گردد. این مقدمه‌ای برای انقلاب‌های جنسی در غرب بود.

به هر روی، سرمایه‌داری صنعتی توانست ساختارهای جوامع بشری را به صورت کلی دگرگون کند و امروزه سرمایه‌داری غربی توانسته نفوذ عمیقی در کشورهای شرقی و حتی مسلمان پیدا

کند. (رودنسون، ۱۳۹۸: ص ۱۸۳) هر چند شکل استثماری که سرمایه‌داری صنعتی در ابتدا داشته، تغییر کرده است اما همچنان تبعات آن در بسیاری از حوزه‌ها دامن‌گیر جوامع است. سرمایه‌داری صنعتی بر چند اصل استوار بود: ۱. جدایی محل تجارت از محل سکونت ۲. حسابداری علمی و ۳. پیشرفت‌های فنی و عقلانی شدن آن. (ویر، ۱۳۹۰: ص ۳۲) تکیه بر پیشرفت‌های مبتنی بر محاسبات دقیق مهندسی یکی از ویژگی‌هایی است که سرمایه‌داری غربی را از تجارت شرقی متمایز می‌کند. محاسبات دقیق در جامعه سرمایه‌داری باعث ایجاد علم حسابداری جدید شده است. پس عقلانی شدن جامعه یکی از مهم‌ترین اهداف سرمایه‌داری بوده است تا از رهگذار آن بتواند به توسعه هر چه بیشتر برسد. مهم‌ترین مانع این عقلانیت، احساسات است که در تضاد آشکار با عقلانی شدن قرار دارد. (ویر، ۱۳۹۰: ص ۳۷) از سوی دیگر پیشرفت‌های علمی باعث شده تا نیاز به تخصص و تحصیلات بالا جایگزین نیاز به نیروی بدنی گردد، لذا تأکید بر تشکیل خانواده و فرزندآوری نیز کمتر شد. در واقع تمدن مدرن که توسط سرمایه‌داری صنعتی شکل گرفته است از جنبه‌های مختلف با تشکیل خانواده در تضاد است که در ادامه به چند مورد از این جنبه‌ها اشاره می‌شود.

۲. غلبه عقلانیت ابزاری بر جامعه مدرن

عقلانیت از دیدگاه متفکرین حوزه علوم اجتماعی مهم‌ترین شاخص مدرنیته و سرمایه‌داری غربی است. کنش عقلانی ابزاری، مهم‌ترین عامل تمایز تمدن غربی از جوامع پیشین است. منظور از عقلانیت ابزاری، نوعی از عقلانیت است که با توسل به ابزارها امکان تحقق اهداف مادی را هرچه سریع‌تر فراهم می‌کند. (رهبر و انصاری، ۱۳۸۷: ص ۹۵) ماکس ویر، نخستین اندیشمندی است که عقلانیت ابزاری حاکم بر جامعه غربی را تشریح کرده است. از نظر وی، امروزه نوع غالب کنش‌ها در فرهنگ غربی، کنش عقلانی ابزاری است و همین نکته نیز عامل اصلی توسعه یافتگی سریع تمدن غربی است و در این ساختار هر نوع کنش غیرعقلانی و عاطفی، انحراف در نظر گرفته می‌شوند. (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ص ۳۸) در ساختار جامعه سرمایه‌داری، اقتصاد و

تولید ثروت مهم‌ترین هدف افراد است لذا هر امری که مانع دستیابی به این هدف باشد کنار گذاشته خواهد شد.

با گسترش سرمایه‌داری صنعتی، خانواده و پیوندهای احساسی آن می‌توانست مخل نظم دقیق کارخانه باشد. در این حالت، فرصتی برای رسیدگی به خانواده وجود نداشت. کم‌کم خانواده نیز انگ عقب‌ماندگی و تضاد با جامعه را خورد. سرمایه‌داری صنعتی که بر پایه عقلانیت و نظم دقیق شکل گرفته با خانواده که محل تبادل عواطف است در تضاد بود. علاوه بر نگاه بدبینانه در ساختار جدید، خانواده اکثر کارکردهای خود را نیز از دست داد. حتی بچه‌داری نیز به پرستارهای بچه سپرده شد. کم‌کم سرمایه‌داری صنعتی تمام ابعاد جامعه را در بر گرفت. نفع شخصی به جای وجدان نشست و پول در این جامعه حرف اول را می‌زد. (زارتسکی، ۱۳۹۸: ص ۵۷) این ساختار، تمام ساحات جامعه غربی را در بر گرفت و با سیستم تبلیغاتی سرمایه‌داری، تنها انسان اقتصادی ارزشمند شد. در جامعه اقتصاد زده، ارزش هر چیز بر اساس منافع و مضرات اقتصادی سنجیده می‌شود و اگر امری هزینه‌هایش بر منافعش غلبه پیدا کند به سرعت کنار گذاشته می‌شود. «بورژوازی پرده احساسات را از روی خانواده کنار زد و رابطه خانوادگی را به رابطه پولی صرف بدل ساخت و به جای استثماری که حجاب توهمات گوناگون سیاسی و مذهبی آن را پوشانده بود، استثماری آشکار و بی‌شرمانه و مستقیم و عریان را باب کرد.» (برمن، ۱۴۰۰: ص ۱۵۷)

در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه که متأثر از ساختارهای سرمایه‌داری صنعتی هستند، تحلیل هزینه-فایده اقتصادی تمام شئون جامعه را در بر گرفته است و افراد جامعه در تصمیم‌گیری‌های خود تلاش می‌کنند تا با کمینه‌سازی هزینه‌ها حداکثر فایده را کسب نمایند؛ همین رویکرد در ازدواج نیز خود را نشان می‌دهد. به تعبیر «بکر»، افراد زمانی تن به ازدواج می‌دهند که منافع محاسبه شده ازدواج از هزینه‌های محاسبه شده آن بیشتر باشد. (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ص ۳۰) مغایرت ازدواج با کسب تحصیلات عالی و در نتیجه کسب درآمد بالا سبب می‌شود که برخی جوانان از همان ابتدا با کنار گذاشتن ازدواج در سنین پایین به دنبال روابط جایگزین آن باشند.

در جوامع سرمایه‌داری، اقتصاد در اولویت قرار می‌گیرد و تشکیل خانواده در وهله دوم اهمیت قرار دارد؛ لذا جوانان تشکیل خانواده را بر اساس محاسبات عقل اقتصادی به تأخیر می‌اندازند و

سعی می‌کنند تا زمانی که می‌توانند تحصیلات خود را ادامه دهند تا درآمد و جایگاه اجتماعی بالاتری را کسب کنند.

امر ازدواج امروزه کاملاً متأثر از فایده‌گرایی عقلانی است. افراد زمانی ازدواج خواهند کرد که منافع ازدواج را بیشتر از هزینه‌های آن ارزیابی کنند. اما در صورتی که هزینه‌های اقتصادی ازدواج بالا رفته و بتوان سایر مزایا را در خارج از رابطه ازدواج به دست آورد، میزان روابط نامشروع افزایش یافته و ازدواج روند کاهشی خواهد داشت. امری که در جامعه کنونی ایران تا حدودی قابل مشاهده است. روابط خارج از ازدواج هزینه کمتری دارند، بسیاری از نیازها را تأمین می‌کنند و مسئولیت‌ها و هزینه‌های سنگین ازدواج را نیز بر فرد تحمیل نخواهند نکرد.

ازدواج در ایران نیز به عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و سنتی در جامعه اسلامی مطرح می‌شود اما راه‌ها و امکانات رسیدن به آن عقلانی و بر اساس اهداف و شرایط نظام سرمایه‌داری بنا شده است و یکی از مهم‌ترین علل آشفتگی در جامعه کنونی ایران همین مساله است. کسی که می‌خواهد ازدواج کند مجبور است از راهی عبور کند که امروزه نظام سرمایه‌داری تحمیل کرده است و باید بر اساس عقلانیت و محاسبه دقیق باشد. (مهدوی و مشید، ۱۳۸۹: ص ۴۵)

انتظارات از ازدواج بالا رفته است و تا تأین نشدن حداقل‌های مورد انتظار، جوانان حاضر به تن دادن به ازدواج نیستند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که حدود ۵۶ درصد از مردم معتقدند تا زمانی که امکانات مادی مناسب، توسط طرفین ازدواج تأمین نشده است نباید ازدواج کرد. این نشان‌دهنده حاکم شدن عقلانیت اقتصادی بر جامعه ایران است چرا که در دیدگاه سنتی، زندگی با امکانات کم نیز می‌تواند شروع شود. امروزه تنها ۱۱ درصد از مردم اعتقاد به ازدواج در سنین پایین دارند. (عبداللهیان، ۱۳۸۳: ص ۲۸۷)

پس از ازدواج نیز ساختارهای اقتصادی جامعه اجازه این‌که زوجین بتوانند تعاملات عاطفی مناسبی با یکدیگر داشته باشند را نمی‌دهند. بسیاری از زوج‌ها در شهرهای بزرگ مجبورند برای تأمین معاش خانواده هر دو یا یکی از آن‌ها ساعت‌های زیادی را در خارج از خانه به فعالیت اقتصادی مشغول باشند. همین مسأله باعث آسیب‌های روحی و عاطفی بسیاری می‌گردد و بسیاری از جوانان با دیدن شرایط زوجین ترجیح می‌دهند که مسئولیت‌های خود را با ازدواج بیشتر نکنند.

افراد در روابط فقط به دنبال ارضای جنسی نیستند بلکه به دنبال ارضای روحی و روانی نیز هستند. با ساختارهای عقلانی نظام سرمایه‌داری، عواطف خانوادگی نیز کمرنگ‌تر شده‌اند. از سوی دیگر هر چه خانواده بیشتر درگیر مسائل اقتصادی می‌شود، توجه کمتری به فرزندان می‌شود و عواطف کمتری به آن‌ها منتقل می‌کند. اشتغال زوجین در خانواده‌های شهری باعث شده تا توجه کمتری به فرزندان بشود. خانه‌های کوچک و مشغله فراوان نیز امکان فرزندآوری زیاد را نمی‌دهد و همین امر باعث تشدید احساس تنهایی تک فرزندان می‌شود. این مسأله از یک سوء، امکان نظارت مؤثر بر فرزندان را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر باعث می‌شود تا فرزندان برای پر کردن خلاء عاطفی به وجود آمده به سمت دوستی با جنس مخالف ترغیب شوند. (قادرزاده و محمدی، ۱۳۹۶: ص ۲۳)

اگر نوجوان در خانواده از محبت و توجه کافی برخوردار نشود و روابط صمیمی با والدین و به خصوص مادر خود نداشته باشد و در اجتماع هم نتواند فرد تأثیرگذاری باشد در وجود خود احساس نیاز شدید خواهد کرد، از خانواده و اجتماع دور خواهد شد، یا این که افسرده شده یا به دنبال یک حمایت‌کننده خواهد رفت که توجه و محبت با خود را جبران کند. از منظر دیگر می‌توان این گونه استدلال نمود که نوجوان در این سنین از فشار خواسته‌های نفسانی و شهوانی خود در امان نیست، اگر اعتقادات فرد کمرنگ باشد و توجه و محبت از طرف خانواده و اجتماع به او کمتر ابراز شود ممکن است در معرض روابط خطرناک و دوستی‌های بدون حد و مرز و روابط آزاد قرار گیرد و ناآگاهانه آن را دنبال نماید و ممکن است به علت کنجکاوی و کسب شناخت بیشتر نسبت به جنس مخالف، وارد این گونه روابط شود. (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۲۹)

مطالعات مختلف حاکی از آن است که روابط جنسی نامشروع در دانش‌آموزانی بیشتر است که از توجه و محبت کمتری در خانواده برخوردارند و از سوی دیگر با بالا رفتن روابط صمیمی با والدین، رفتارهای جنسی خطرناک کاهش می‌یابند. (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۲۹)

۳. تحصیلات عالی و اشتغال بیش از حد

سرمایه‌داری یک نظام تولید کالا است که فعالیت آن وابسته به یک چرخه تولید و مصرف با استفاده از صنایع است. هر چند باید میان صنعتی شدن و سرمایه‌داری تفاوت قائل شد و اساساً سرمایه‌داری پیش از صنعت‌گرایی وجود داشته است، اما باید توجه داشت که صنعتی شدن سریع جوامع یکی از نتایج گسترش ساختار سرمایه‌داری است.^۱ کالا شدن نیروی کار، عامل اصلی پیوند سرمایه‌داری با صنعت‌گرایی است. (گیدنز، ۱۳۹۷: ص ۵۳) با صنعتی شدن جوامع، پیچیدگی‌های ساختاری آن نیز افزایش پیدا کرده و دیگر نمی‌توان به سهولت و در سنین پایین، شغل خانوادگی را فرا گرفت و مهارت لازم را در همان سال‌های ابتدایی کسب کرد و در اوایل بلوغ با درآمد کافی و شغل مناسب ازدواج نمود. در جوامع جدید، افراد باید سال‌های بسیاری را صرف کسب علم و به دست آوردن مهارت‌های لازم جهت ورود به بازار کار کنند. این مسأله یکی از مهم‌ترین دلایل تأخیر در ازدواج در دوران کنونی است. خانواده، توان کمک به فرد برای فراگیری یک شغل خاص را ندارد فلذا جوانان زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که اطمینان حاصل کنند می‌توانند شغل مناسبی را به دست آورند و از خانواده خود به صورت مستقل زندگی کنند.

این مسأله نه تنها مردان بلکه زنان جامعه را نیز درگیر خود کرده است. در سرتاسر قرن بیستم تا دهه ۱۹۶۰، ساختار خانواده در تمام کشورها، بر اساس فعالیت خارج از خانواده مرد و کار درون خانه زن تعریف شده بود. در این حالت، اصل کلی بر ایجاد تمایز میان مرد و زن بود. عکس این حالت، مدل برابری جنسیتی است. در این ساختار زن‌ها تلاش می‌کنند تا مانند مردها کسب درآمد داشته باشند و مانند آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کنند؛ فلذا باید ازدواج خود را برای کسب مدارج بالاتر علمی و شغلی به تأخیر بیندازند. مطالعات نشان می‌دهند که در جوامع شهری که زن‌ها تأثیر بیشتری از مدرنیته یافته‌اند و به دنبال کسب علم و شغل با درآمد بالاتر بوده‌اند

^۱ باید توجه داشت که همه جوامعی که درگیر ساختار سرمایه‌داری شده‌اند لزوماً صنعتی نیستند. به عنوان مثال کشورهایی مانند دوی یا سنگاپور به عنوان کشورهایی که نقش مهمی در زمینه تجارت و سرمایه‌داری جهانی ایفا می‌کنند هیچ‌کدام صنعتی نشده‌اند و صرفاً نقش واسطه‌گری را در نظام سرمایه‌داری ایفا می‌کنند لیکن فرهنگ متأثر از ساختارهای سرمایه‌داری و صنعتی شدن بر آن حاکم است.

ازدواج نیز با تاخیری بیشتری نسبت به جوامع روستایی صورت گرفته است. (قاسمی اردهایی، ۱۳۸۶: ص ۶۶)

انسان در جامعه سرمایه‌داری یک انسان منفعت‌طلب بوده و به دنبال کسب منفعت بیشتر است. زمانی که هدف‌گذاری اصلی، اشتغال و درآمد باشد و ازدواج در جایگاه بعدی تعریف و تجویز شود و با توجه به این که در شرایط کنونی نمی‌توان به سهولت وارد بازار کار شد و باید سال‌ها درس خواند تا شرایط لازم را کسب کرد، فرد به دنبال جایگزین‌های ازدواج تا حصول شرایط لازم می‌رود. از طرف دیگر روابط جنسی خارج از خانواده نیز هر روز تسهیل می‌شود و هزینه‌های آن نیز از هزینه‌های تشکیل خانواده کمتر است. یکی از مهم‌ترین تغییراتی که از این تحولات حاصل شده است به تأخیر افتادن ازدواج است که جایگزین آن یعنی روابط نامشروع را می‌توان نتیجه طبیعی این وضعیت دانست. بالا رفتن سن ازدواج در کنار محرک‌های بصری فوق‌العاده زیاد در سطح جامعه باعث ایجاد یک انقلاب در زمینه امر جنسی در جهان شده است. (کرمی قهی و پاپی نژاد، ۱۳۹۱: ص ۶)

اشتغال زیاد نیز یکی از عوامل اصلی تأخیر در ازدواج است. برخی از کارفرمایان انتظار حضور زیاد در محل کار را دارند که عملاً امکان تشکیل خانواده را برای فرد، دشوار می‌کند. امروزه یکی از دلایل اصلی تک‌زیستی دختران، بحث اشتغال است. دلایلی مانند نیاز مالی، نیاز به پایگاه اجتماعی بالاتر و رهایی از احساس روانی سربار خانواده بودن یا نیاز به حضور ساعت‌های بالاتر در محیط کار یکی از علل تک‌زیستی دختران است. کارفرمایان معتقدند دخترانی که تنها زندگی می‌کنند تعهد بیشتری نسبت به کار و حضور در ساعت‌های بالاتر دارند و لازم نیست به خانواده پاسخگو باشند فلذا بهتر به وظایف کاری خود خواهند پرداخت. (کرمی قهی و پاپی نژاد، ۱۳۹۱: ص ۲۹) از سوی دیگر این مسأله می‌تواند زمینه‌های روابط نامشروع یا حتی سوء استفاده‌های جنسی در محیط کار را به وجود آورد.

گذراندن ساعات متمادی بر سر کار حتی می‌تواند موجب مشکلات عاطفی و گسترش خیانت زوجین به یکدیگر شود. زوجینی که در طول روز به فعالیت‌های اقتصادی مشغول هستند و روابط نزدیک و احساسی بیشتری با همکاران خود دارند و شب هنگام با خستگی به خانه باز می‌گردند کمترین امکان برای ایجاد روابط احساسی را دارند. وقتی روابط از احساسات تهی می‌شوند

نارضایتی درونی نیز شدت می‌گیرد. رابطه جنسی صرفاً جسم را سیراب می‌کند در حالی که روح همچنان تشنه است. این مسأله شاید یکی از دلایل اصلی خارج شدن روابط جنسی از درون خانواده و خیانت زوجین به یکدیگر نیز باشد. (فولادیان و همکاران، ۱۳۹۹: ص ۱۸۷)

۴. بحران اقتصادی در جامعه مدرن

بر اساس آمارها و اطلاعات، ازدواج‌ها در دوران رونق اقتصادی، افزایش می‌یابند و در دوره‌های رکود اقتصادی به تأخیر می‌افتند. (مجدالدین و جمالی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۱) یکی از معضلات اساسی در کشورهایی که در حال گذار به ساختار سرمایه‌داری غربی هستند بالا رفتن سن ازدواج به واسطه افزایش بحران‌های اقتصادی است. در این حالت تجمیع سرمایه در دست اقلیت جامعه و عدم توزیع عادلانه باعث توزیع فقر و ایجاد بحران در امر ازدواج شده است. تفاوت عمده‌ای که کشورهای نفتی مانند ایران با سایر کشورهای در حال توسعه دارند، وجود نفت به عنوان یک عامل مخرب اقتصاد است. در واقع کشورهای سرمایه‌داری دارای تولیدات متنوع تکنولوژیک هستند اما در کشورهای نفتی به واسطه وجود دلارهای نفتی و توزیع رانتی این منابع، تولیدات تکنولوژیک کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و این مسأله علاوه بر آسیب به اشتغال باعث ایجاد تورم دائمی و رکود به صورت همزمان خواهد شد. در این حالت ازدواج از لحاظ اقتصادی عملاً ناممکن می‌شود. سرمایه‌داری رانتی فاجعه‌آمیزترین نوع سرمایه‌داری است.

تلاطم‌های اقتصادی ایجاد شده در زندگی خانواده‌ها علاوه بر ایجاد مشکل برای ازدواج جوانان و گرایش به روابط نامشروع به عنوان جایگزین ازدواج، باعث شده تا والدین نیز بواسطه درگیری‌های بیش از اندازه اقتصادی و تلاش بی‌وقفه برای جبران کمبودهای اقتصادی نتوانند نقش مؤثری در انتقال آموزه‌های فرهنگی، سنتی و دینی ایفا کنند و به همین جهت شاهد تغییر بی‌سابقه ارزش‌ها در نسل جدید هستیم؛ تا جایی که می‌توان ادعا کرد در هیچ مقطعی از تاریخ، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در درون جوامع با این سرعت در حال تغییر نبوده است. در دورانی که ارزش‌های حاکم بر جامعه مبتنی بر «کدبانوگری» زن بود، دخترها زودتر جامعه‌پذیر و وارد زندگی مشترک می‌شدند و پسران نیز به علت وجود حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی قوی،

مسئولیت زندگی مشترک را قبول می‌کردند. در این چهارچوب، ازدواج مسأله فرد نبود؛ بلکه مسأله یک خانواده و فامیل بود. اما با کند شدن روند جامعه‌پذیری در ایران، تشکیل خانواده در سنین پایین و داشتن فرزند ارزشمندی خود را از دست داده و اولویت‌ها در زندگی جوانان تغییر چشم‌گیری پیدا کرده است. ارزش‌هایی مانند ازدواج زود هنگام و فرزندآوری از نظر نسل جوان، ارزش‌هایی قدیمی هستند که خود مانع هیجان و لذت بردن از فرصت جوانی خواهند بود. (بهروزیان و حسنونند، ۱۳۹۵: ص ۲۰۹)

از منظر جرم‌شناسی عدم حضور والدین یا فقر حاکم بر خانواده یکی از عوامل اصلی گرایش به جرائم و انحرافات اجتماعی است. عدم حضور والدین و عدم امکان ارضای نیازهای اولیه فرزندان به واسطه بحران‌های اقتصادی باعث بحران‌های هویتی، کاهش اعتماد به نفس و احساس بی‌لیاقتی به خصوص در دختران شده و باعث می‌شود که برای فرار از این آسیب‌ها به دامن روابط نامشروع پناه ببرند. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ص ۳۳۶) علاوه بر اینکه روابط عاطفی و جنسی این‌گونه روابط می‌تواند آن‌ها را از بسیاری فشارهای روانی رهایی دهد، برای بسیاری از دختران این روابط می‌تواند واجد انتفاع مالی نیز باشد که فقر مالی خانواده آن‌ها را تا حدودی جبران می‌کند.

۵. بحران مهارت

با انقلاب صنعتی در اروپا و تحولات بی‌سابقه اقتصادی و اجتماعی، مهاجرت نیز به عنوان یکی از مسائل اصلی این جوامع مطرح شد. امروزه با صنعتی شدن جوامع و گسترش سرمایه‌داری، کوچ از روستاها به شهرها برای تحصیل یا کسب درآمد به امری رایج تبدیل شده است. دستیابی به تحصیلات بالاتر، شغل‌هایی با درآمد بیشتر و دستیابی به جایگاه اجتماعی بالاتر از علل اصلی مهاجرت در جوامع صنعتی است.

در ساختار جوامع سرمایه‌داری، کشورهای توسعه یافته وضعیت «مسلط» را داشته و جوامع توسعه نیافته وضعیت «سلطه» و «پیرامونی» را دارند. این وضعیت در ساختار داخلی کشورها نیز مؤثر بوده و باعث ایجاد قطب‌های پیشرفته و توسعه یافته سرمایه‌داری در شهرها و مناطق توسعه نیافته روستایی شده و نوعی عدم تعادل را به وجود آورده است. این مسأله باعث رونق گرفتن مناطق شهری بوده و مردم از روستاهای محروم به سمت مناطق شهری مهاجرت می‌کنند. در واقع

ساختار استثماری سرمایه‌داری باعث شده است تا مهاجرت به شهرها به صورت گسترده‌ای صورت پذیرد. مهاجرت از روستا به شهر جزئی لاینفک در توسعه اقتصادی جوامع شمرده می‌شود. در کشورهای غربی به واسطه رشد جمعیت کم و توزیع متناسب امکانات در مناطق مختلف، مهاجرت معضلات کشورهای جهان سوم را نداشته است. (حاج حسینی، ۱۳۸۵: ص ۴۵)

تلاش برای رسیدن به موقعیت‌های بهتر تحصیلی و شغلی باعث شده است که تعداد زیادی از جوانان برای تحصیل و پیدا کردن شغل‌های مناسب به شهرهای بزرگ مهاجرت کنند که این مسأله به نوبه خود باعث از بین رفتن نظارت‌های محلی بر فرد و نوعی احساس رها شدگی می‌شود؛ از سوی دیگر بخاطر تفاوت در سطح درآمد و بالا بودن سطح زندگی در شهرها نسبت به مناطق دیگر عملاً امکان ازدواج آسان و حمایت خانواده برای افرادی که مهاجرت می‌کنند فراهم نیست. در واقع کسانی که به شهرها مهاجرت می‌کنند بیشتر برای کسب موفقیت بیشتر و کسب درآمدهای بیشتر از خانواده آنها در روستا است، لذا خانواده آنها اساساً سطح درآمدی لازم برای حمایت کامل از آنها را ندارند، فلذا ناامیدی از ازدواج به هنگام، مانند آنچه در مناطق روستایی مبدأ مهاجر صورت می‌پذیرد، به همراه احساس رهاشدگی ناگهانی از نظارت‌ها محلی که در روستاها امری متداول است باعث گرایش این افراد به جایگزین‌های ازدواج و درگیر شدن فرد در روابط نامشروع می‌شود. این وضعیت نوعی آنومی و بی‌هنجاری را برای مهاجرین به همراه دارد که می‌تواند یکی از عوامل اصلی در انحرافات اجتماعی باشد. مطابق با نظریه آنومی دورکیم تغییرات سریع در ایجاد انحراف و فروپاشی کنترل‌های اجتماعی رابطه مستقیم دارد. مهاجرت و از بین رفتن هویت روستایی از اصلی‌ترین مسائلی ایجادکننده آنومی است. (برنارد و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۶۵)

۶. رشد افسار گسیخته شهرنشینی

مهم‌ترین رکن سرمایه‌داری صنعتی، شهرنشینی است. سرمایه‌داری، انقلاب صنعتی را هدایت کرد و به ایجاد شهرهای صنعتی منجر شد. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ص ۷۴) با ظهور صنایع بزرگ و از بین رفتن صنایع خانگی و کوچک و صنعتی شدن کشاورزی، جوامع شاهد سیل

مهاجرت از روستاها به شهرها بودند و به تدریج شهرها تبدیل به محل تولید و مصرف کالاها می‌شوند. هجوم جمعیت انبوه از مناطق مختلف روستایی باعث شده است تا ساختارهای فرهنگی و ارتباطی شهری اقتضائاتی کاملاً متفاوت با جوامع سنتی و روستایی داشته باشد. در محیط روستایی اکثریت یکدیگر را می‌شناسند و از خصوصیات یکدیگر باخبر هستند اما یکی از ویژگی اصلی شهرها گمنامی است. برخی از متفکرین شهر را به صحنه تئاتری تشبیه کرده‌اند که جمعیت متراکمی دارد و اکثریت با هم غریبه هستند و صرفاً تلاش می‌کنند که تصویری از خود ارائه کنند که مورد قبول دیگران قرار گیرد. (ممتاز، ۱۳۹۰: ص ۳۲)

مهاجرت و بالارفتن بیش از حد جمعیت باعث بوجود آمدن انواع معضلات فرهنگی و انحرافات اجتماعی می‌شود. در این حالت حاشیه‌های شهرها به عنوان مکان‌هایی برای طبقه فقیر احساس نابرابری را به شدت افزایش داده و زمینه ساز بروز انواع انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد، روسپی‌گری و روابط نامشروع خواهد شد. (احمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۴)

گران بودن مسکن در شهرهای بزرگ و مهاجرت‌های هر از چندگاهی که به واسطه بحران‌های اقتصادی و نبود شغل مناسب در روستاها، شهرها با امواج جدید مهاجرین مواجه می‌کند باعث گرانی مسکن شده و شهرنشین‌ها مجبورند از یک سو به صورت دائم محله خود را عوض کنند که همین مسأله باعث می‌شود که هویت محله‌ای در شهرهای بزرگ شکل نگیرد و امکان نظارت محله‌ای برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی ناممکن یا سخت گردد. در این حالت دختران و پسران به راحتی و بدون نگرانی از شناسایی شدن توسط اطرافیان و هم محله‌ای‌ها وارد روابط دوستی می‌شوند و با توجه به عدم شناخت همسایه‌ها نسبت به یکدیگر امکان اجاره مسکن برای ایجاد رابطه نامشروع یا تشکیل خانه‌های مجردی به راحتی امکان‌پذیر خواهد بود. شهرها با توجه به شکاف طبقاتی احساس بی‌عدالتی را نیز افزایش می‌دهند. نوع زندگی تجملی ثروتمندان توقعات و آمال و آرزوهای طبقه فقیر را نیز افزایش می‌دهد و از سوی دیگری گرانی ناشی از ساختارهای سرمایه‌داری عملاً تشکیل زندگی خانوادگی برای طبقه محروم را ناممکن می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۸۴)

رشد شهرنشینی در کشورهای جهان سوم به مراتب بالاتر از کشورهای صنعتی است و با توجه به نبود زیر ساخت‌های لازم، این شهرنشینی‌ها با بحران‌های فرهنگی و اقتصادی همراه هستند.

گسترش شهرنشینی در ایران سرعتی بسیار بالا دارد. در اوایل دوره رضا شاه ۷۲ درصد جمعیت ایران، در روستاها ساکن بودند و ۸۰ درصد تولیدات در روستاها صورت می‌گرفت. با اصلاحات ارضی و فروپاشی نظام کشاورزی کشور روند مهاجرت به شهرها سرعت بالایی می‌گیرد. در حالی که جمعیت شهرنشین ایران در سال ۱۳۳۵ در حدود ۳۵ درصد از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند، در سال ۱۳۹۰ در حدود ۸۵ رسیده است. (امامی ارستانی، ۱۳۹۸: ص ۱۱)

جریان شهری شدن مدرن ایران نیز متأثر از سرمایه‌داری غربی است و باعث تغییرات بنیادین در جامعه ایران شده است. وضعیت شهری در ایران حتی وخیم‌تر از شهرهای کشورهای صنعتی و پیشرفته است. اصولاً در کشورهای توسعه نیافته جریان شهری شدن سرعتی بیشتر از کشورهای غربی دارد و با توجه به این که تکنولوژی لازم در این زمینه ایجاد نشده است علاوه بر مشکلات شهرنشینی در غرب، مشکلات مختص به خود را نیز دارند. به واسطه عدم وجود صنایع کافی و مشاغل مفید، بسیاری از مهاجران در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران یا بدون شغل می‌مانند یا جذب مشاغل کاذب و خدماتی می‌شوند. این مسأله باعث ایجاد مشکلات فرهنگی و هویتی عدیده می‌شود فلذا با یک گروه آنومیگ و سرگردان که از گذشته روستایی جدا شده و نتوانسته با محیط شهری نیز مطابقت پیدا کنند روبرو هستیم. (ممتاز، ۱۳۹۰: ص ۹۵)

لویی ورت چند ویژگی برای شهرنشینان عنوان می‌کند: ۱. جمعیت زیاد و تراکم زیاد در شهر باعث می‌شود تا تفاوت‌ها میان افراد زیاد شود. ۲. شهرنشینی موجب تقطیع زندگی خصوص فرد و غیر عاطفی شدن روابط انسانی می‌شود. در واقع بر اساس تعدد افرادی که یک فرد در یک روز با آن‌ها مواجه می‌شود، تلاش می‌کند تا میزان کمتری عاطفه منتقل نماید. ۳. شهرنشینی انسان را پیچیده و عقل‌گرا می‌کند. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۶)

۶-۱. به حاشیه رفتن عواطف

از نظر گروهی از اندیشمندان مانند فروم، مارکوزه و میلز، شهرهای مدرن ابزارهای اصلی سرمایه‌داری برای تسلط بر افراد و جوامع هستند که با از بین بردن پیوندهای مستحکم اجتماعی و شخصیت فردی اعضای جامعه نوعی بی‌هویتی و بی‌تفاوتی را نهادینه می‌کنند و خرد ابزاری را جایگزین خرد حقیقی می‌کنند. از نظر کاستلز شهرهای بزرگ مکان ایجاد بیگانگی جمعی هستند

که امکان ایجاد یک جامعه توده وار و مسخ شده را فراهم می‌آورند. جامعه‌ای مصرفی که به راحتی می‌توان سلاقی آن را شکل داد. (ممتاز، ۱۳۹۰: ص ۱۰۷)

به اعتقاد زیمل وقتی اعصاب انسان در محیط اقتصادی شهر بیش از حد مورد هجوم قرار می‌گیرد انسان به یک حالت بی تفاوتی می‌رسد که وی آن را «بلازه»^۱ می‌نامد. در این حالت فرد با تقلیل کیفیت به کمیت تلاش می‌کند تا همه تفاوت‌ها را با معیاری مانند پول بسنجد. این آغاز انسان اقتصادی است. وی معتقد است برخلاف روستا که آهنگ زندگی کند و تکراری است، انسان‌ها در شهرها به طور مداوم در معرض بمباران تصاویر، افراد و موقعیت‌های جدید هستند که این باعث می‌شود همواره تلاش کنند تا از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند و همین مسأله باعث می‌شود که شهرنشینان منطقی‌تر و حسابگرانه‌تر عمل کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ص ۸۰) انسان‌ها در شهر با مغز خود واکنش نشان می‌دهند نه با عواطف و احساساتشان. از نظر زیمل، شهر جایگاه اقتصاد مبادله‌ای و پولی است و ارتباطات انسانی نیز بر همین شیوه استوار است. لذا محیط شهری برخلاف روستا کمتر صمیمی و دوستانه است و روابط انسانی به شالوده اقتصادی تقلیل پیدا می‌کند: «پول به مخرج مشترک همه ارزش‌ها مبدل می‌شود و طالب ارزش مبادله است و تمامی روابط عاطفی افراد را که مبتنی بر فردیت است سلب می‌ند و تنها به کمیت، عدد و دستاوردهای عینی سنجش پذیر توجه می‌کند.» (مایلز و مایلز، ۱۳۹۲: ص ۲۶)

همین مسأله را می‌توان در روابط نیز مشاهده کرد. در واقع در محیط‌های اجتماعی کوچک تشابه میان افراد زیادتر بوده و قدرت انتخاب نیز کمتر. اما در شهرها افراد می‌توانند از میان گزینه‌های مختلف انتخاب نمایند و تلاش می‌کنند تا با بررسی گزینه‌های موجود فردی را انتخاب کنند که بیشترین انطباق را با آن‌ها دارد. همین مسأله باعث شده است تا افراد به راحتی به ازدواج تن ندهند و تلاش کنند تا قبل از ازدواج به طور کامل میزان انطباق خود با طرف مقابل را بسنجند و در واقع در طی یک دوره دوستی و با یک محاسبه کاملاً عقلانی و دقیق به ازدواج تن می‌دهند. روابطی که ممکن است سال‌ها زمان ببرد و نهایتاً نیز به ازدواج ختم نشود.

1 Blase

۲-۶. فرصت رابطه

«کلوارد» و «الین» در تکمیل نظریه فشار مرتن معتقد بودند که تنها نبود فرصت‌های مشروع باعث ارتکاب جرم نمی‌شود بلکه باید فرصت‌های نامشروعی نیز برای افراد فراهم باشد تا به سمت ارتکاب جرم و انحرافات اجتماعی گرایش پیدا کنند. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ص ۴۶) در جهت انطباق این نظریه با بحث روابط نامشروع می‌توان این گونه بیان کرد که صرف عدم دسترسی به روابط مشروعی مانند ازدواج باعث گرایش به روابط نامشروع نمی‌شود بلکه باید فرصت رابطه نامشروع نیز فراهم باشد که این فرصت در شهرهای بزرگ به واسطه عدم امکان نظارت محلی و وجود محیط‌های متنوعی که امکان برخورد میان جنس‌های مخالف را فراهم می‌کند، به راحتی مهیا می‌شود.

امروزه کشور ما با افزایش شهرنشینی، تغییر در سبک زندگی، تغییرات نگرشی درون خانواده‌ها مواجه شده است. این تغییرات امکانات بی‌نهایتی در اختیار اقشار و گروه‌های مختلف جامعه قرار می‌دهد؛ به عنوان مثال، بالا رفتن سطح تحصیلات، حضور چشم‌گیر زنان و دختران در عرصه‌های اجتماعی، گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی و آشنایی جوانان با ارزش‌های غربی، حضور زنان در کنار مردان در عرصه‌های عمومی و غیره، زمینه شکل‌گیری روابط دوستانه و روابط جنسی را در بین جوانان جامعه فراهم کرده است. به عبارتی دیگر در ساختار شهرهای مدرن، تنظیمات زمانی و فضایی ساختارهای رایج پدرسالارانه از بین رفته است. دختران در برقراری روابط دوستانه با جنس مخالف تقریباً آزاد هستند چرا که عملاً امکان نظارت بر آن‌ها ممکن نیست؛ به علاوه فضاهایی که جوانان در شهرهای بزرگ می‌توانند در آن به تعامل اجتماعی پردازند بی‌شمارند؛ از خیابان‌ها گرفته تا سالن‌های ورزشی، استادیوم‌ها، پارک‌ها، رستوران‌ها، دانشگاه‌ها، محل کار، مهمانی‌ها و سایر فضاهای عمومی شهری را در تمام ساعات روز در اختیار دارند. خانه‌های کوچک مانند سلول‌های زندان باعث می‌شود که تفریحات خارج از خانه به امری متداول بدل شود، امری که می‌تواند زمینه آشنایی با جنس مخالف را هر چه بیشتر فراهم کند. (رحمت، ۱۳۹۰: ص ۳۱)

یک فرد روستایی ممکن بود در طول عمر خود چند بار از مکان اصلی زندگی خارج شود اما با بالارفتن تحرک‌ها، ارتباط مداوم با شهرها، ترک روستا برای تحصیل در مدارج بالاتر و حضور در شهرها برای کسب درآمد و... همگی باعث تغییر در ساختارهای گذشته شده است.

از سوی دیگر روابطی که در گذشته وجود داشته است محدود شده‌اند مانند ارتباطات فامیلی یا محل تجمع زنانه و میهمانی‌ها و عروسی‌ها. تراکم جمعیت بالا، ترافیک، خانه‌های کوچک، امکان برقراری کمتر ارتباط با خانواده گسترده و خلاءهای عاطفی ناشی از آن باعث می‌شود که برای فرار از این فشارها افراد به روابط دوستی با جنس مخالف برای پر کردن خلاءها روی بیاورند. در گذشته افراد یک خانواده در یک محله زندگی می‌کردند یا فاصله آنها زیاد نبود و می‌توانستند به صورت مداوم به یکدیگر سر بزنند و در این حین آشنایی‌ها بیشتر می‌شد و زمینه ازدواج خانوادگی نیز فراهم می‌آمد. در واقع یک خانواده بیشتر با هم ارتباط داشتند تا با دیگران لذا عملاً امکان ازدواج فامیلی بیشتر بود یا زنان در محل‌هایی مانند حمام‌ها و مجالس خانوادگی موارد مطلوب خود برای ازدواج با پسران خانواده را شناسایی می‌کردند. اما در ساختار جدید ارتباطات خانوادگی و محلی به شدت محدود شده است و همسایه‌های دیوار به دیوار در برج‌ها به سختی یکدیگر را می‌شناسند لذا جوانان جامعه خود باید وظیفه شناسایی موارد مطلوب برای ازدواج را انجام دهند.

شهرها به واسطه جمعیت بالا و مهاجرت گسترده، دچار تنوع و تضاد فرهنگی میان ساکنین هستند. این تنوع فرهنگی خود یکی از عوامل عدم علاقه به ارتباط میان شهرنشینان و عدم اعتماد به یکدیگر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مال جامع علوم انسانی

۳-۶. فرصت گمنامی در شهر به موازات افزایش جمعیت انفجاری در شهرها، امکان نظارت بر شهروندان نیز به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته و امکان مهار انحرافات اجتماعی نیز کم می‌شود. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۶) این در حالی است که نظارت محلی در روستاها عملاً اجازه کج‌روی را به خصوص در زمینه جنسی را نمی‌دهد یا آن را بسیار مشکل می‌کند. در واقع کافی است شخصی، به ویژه یک دختر در فضای روستا انگ بی‌عفتی بخورد، در این صورت علاوه بر این که آینده زندگی خانوادگی

وی با چالشی جدی مواجه شده و امکان ازدواج از وی سلب می‌شود، ممکن است توسط اطرافیان و حتی خانواده نزدیک خود بایکوت شود و مورد بی‌توجهی قرار گیرد. فشار افکار عمومی در شهر به مراتب کمتر است.

از نگاه «فروید» علت اصلی انحراف و کج‌رفتاری نبود کنترل اجتماعی است. افراد به طور طبیعی به ارتکاب انحرافات اجتماعی تمایل دارند و انحراف نیز حاصل عدم ممانعت از گرایش به سمت ناهنجاری است. در واقع سؤال اصلی این نیست که چرا افراد کج‌رفتاری می‌کنند بلکه سؤال اصلی این است که چرا افراد کج‌رفتاری نمی‌کنند؟ (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ص ۵۳) وقتی فشار افکار عمومی بواسطه فرصت گمنامی در شهرها خنثی می‌شود یکی از عوامل اصلی ممانعت از گرایش به انحراف و کجروی از بین رفته و افراد با خیال راحت وارد روابط نامشروع می‌شوند.

«ماکس وبر» معتقد است که شهرنشینی باعث گمنامی می‌شود و همین مسأله می‌تواند داغ ننگ‌هایی را که در جوامع کوچک بر افراد بار می‌شد را به راحتی خنثی کند. خانه‌های مجردی امروزه در شهرهای بزرگ تبدیل به یک پدیده رایج شده‌اند که با ایجاد آزادی بی‌حد و حصر برای جوانان زمینه روابط نامشروع را برای آن‌ها فراهم کرده است. (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ص ۸۰) یک ضرب‌المثل اروپایی هست که می‌گوید «هوای شهر انسان را آزاد می‌سازد» (سگالن، ۱۳۸۰: ص ۸۸) یعنی قیودی که در روستا وجود دارد در شهر به راحتی از پای انسان باز می‌شود.

به اعتقاد پارسونز فرآیند توسعه صنعتی و شهرنشینی به نحوی است که شبکه خویشاوندی متلاشی شده و با تقلیل به خانواده هسته‌ای تمامی عملکردهای تولیدی، سیاسی و دینی آن از بین رفته و صرفاً به محلی برای سکونت و مصرف مبدل گشته است. (سگالن، ۱۳۸۰، ص ۸۸)

کلان‌شهرها باعث از بین رفتن هویت‌های محله‌ای و امکان نظارت بر اعضای یک محله شده است. این مسأله یکی از عوامل اصلی در گسترش روابط نامشروع است چرا که داغ ننگ این‌گونه روابط دیگر مانند گذشته باعث منزوی شدن فرد و طرد وی نخواهد شد. از نظر «بریثویت» شرم‌نامه‌سازی عنصر بسیار مهمی در جلوگیری از کج‌رفتاری توسط افراد است. از نظر وی در جوامع سنتی که روابط متقابل اجتماعی قوی‌تری وجود دارد و فردگرایی ضعیف است شرم‌نامه‌سازی بسیار مؤثر بوده و مانع کج‌رفتاری می‌شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۹: ص ۵۴) اما در

شهرهای بزرگ که پیوندهای اجتماعی بسیار ضعیف است و شهروندان در گمنامی به سر می‌برند امکان کنترل اجتماعی و شرم‌نده سازی موثر وجود نخواهد داشت.

از سوی دیگر در محیط روستایی آشنایی افراد با یکدیگر، مخاطرات را به شدت کاهش می‌دهد و پشتیبانی و حمایت از یکدیگر محیطی امن و آرام را ایجاد می‌کند و این در حالی است که امکان گمنامی در شهر مخاطرات را به شدت افزایش می‌دهد. با افزایش مخاطره در محیط شهری، خانواده تبدیل به پناهگاهی در مقابل هجوم بیرون می‌شود و به موازات ساختار سرمایه‌داری شکل خانواده نیز تغییر پیدا می‌کند. خانواده از یک سوء تبدیل به محل محافظت از زنان و کودکان در مقابل جهان اجتماعی ناشناخته می‌شود و از سوی دیگر تحت تأثیر نظم بیرون قرار گرفته و مطابق با فرهنگ محاسبه‌گری و نظم و عقلانیت ساختار خود را تنظیم می‌کند. نظم جدید اجتماعی، فردگرایی، سودمندگرایی و محاسبه‌گری را تشویق و ترویج می‌کند. نظم شدید در خانواده جدید حاکم می‌شود و احساسات کنترل نشده سرکوب می‌شوند، و خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای تغییر پیدا می‌کند. خانواده هسته‌ای در واقع، خانواده جامعه شهری سرمایه‌داری است. در حالی که در جوامع روستایی خانواده عنصری اصلی محسوب می‌شود خانواده در جوامع شهری نقشی درجه دو دارد. (سگالن، ۱۳۸۰: ص ۸۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در کنار جوانانی که از طریق روش‌های سنتی یا روابط خانوادگی وارد رابطه با جنس مخالف می‌شوند و ازدواج را تنها مسیر بهره‌مندی از تمتعات جنسی قرار می‌دهند، امروزه افراد بسیاری در جامعه ما هستند که روش‌های دیگری را برای پاسخ به این گزینه انتخاب کرده‌اند. این مسیر که آشکارا در خلاف جهت ارزش‌های دینی جامعه قرار دارد وضعیتی بحرانی برای ساختارهای اخلاقی و هنجارهای جنسی جامعه ایجاد کرده است و نهادهای دینی را در بهتی انفعالی فروبرده است و کاری جز نظاره‌گری و حداکثر ابراز تأسف از این تغییرات انجام نمی‌دهند. تلاش‌های جسته و گریخته و وضعیفی نیز که برای اصلاح امور صورت می‌گیرد عمدتاً به واسطه گستردگی و سرعت تغییرات بی‌نتیجه باقی می‌مانند.

انتخاب روابط نامشروع صرفاً یک انتخاب فردی نیست و ساختارهای اجتماعی و شرایط پیرامونی نقش بسیار مهمی در سوق دادن افراد به این گونه روابط دارند. در واقع همان‌گونه که در طی قرن‌های متمادی ساختار اجتماعی ایران اجازه روابط نامشروع دو جنس مخالف را نمی‌داد امروزه ساختار به گونه‌ای شکل گرفته است که نه تنها شرایط برای این روابط فراهم است بلکه برای بسیاری تنها محل ارضای گزینه جنسی است. ساختار کنونی متأثر از وضعیتی است که طی قرون گذشته سرمایه‌داری توانسته نخست بر جوامع غربی و سپس بر سایر جوامع حاکم کند. نظام سرمایه‌داری با حاکم نمودن عقلانیت ابزاری بر تمام ابعاد جامعه و شکل دادن نوع خاصی از انسان اقتصادی به عنوان انسان برتر، باعث شده تا عواطف در جامعه به حاشیه رفته و انسان‌ها همواره در حال محاسبه‌گری باشند. علاوه بر اینکه خانواده به عنوان منبع احساسات در جامعه در تضاد با رویکردهای عقل‌گرای سرمایه‌داری قرار دارد، بالارفتن هزینه‌های زندگی، تلاش برای رسیدن به تحصیلات بیشتر، مهاجرت گسترده به شهرها و گرانی و تورم افسار گسیخته در شهرهای بزرگ، امکان ازدواج در سنین پایین را عملاً از بسیاری از افراد جامعه سلب کرده و از سوی دیگر با ایجاد فرصت ارتباط در فضاهایی مانند دانشگاه، محل کار، پارک و ... و ایجاد فرصت گمنامی در شهرهای بزرگ زمینه‌های مستعدی را برای ایجاد رابطه نامشروع را فراهم آورده است. با ایجاد مقتضیات لازم و فقدان موانع، گرایش به این نوع روابط امری اجتناب ناپذیر می‌نماید لذا

برخوردهای سخت کیفی عملاً امکان اصلاح این وضعیت را نخواهد داشت و تغییر در وضعیت کنونی، نیازمند بازنگری جدی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی کشور برای در امان ماندن از امواج فرهنگ سرمایه‌داری است.



فهرست منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۹)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: انتشارات سمت.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ هشتم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امامی ارستانی، پریخ (۱۳۹۸)، مدرنیته و خانواده‌گرایی در ایران، تهران: اندیشه احسان.
- برمن، مارشال (۱۴۰۰) تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور، چاپ ششم، تهران: انتشارات طرح نقد.
- برنارد، تامس، جروولد، الکساندر، اسنیپس، جفری (۱۳۹۲)، جرم‌شناسی نظری ولد، ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
- بعلی، فؤاد (۱۳۸۲)، جامعه، دولت و شهرنشینی؛ تفکر جامعه‌شناختی ابن خلدون، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهروزیان، بهروز، حسونود، احسان (۱۳۹۵)، بازسازی معنایی روابط جنسی پیش از ازدواج: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۸۷-۲۱۲.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۵)، نظام سرمایه‌داری از دیدگاه کارل مارکس و ماکس وبر، مجله پیک نور، شماره ۱۴.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷)، رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی؛ مقدمه‌ای بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی شده، راهبرد فرهنگ، شماره سوم.
- حاج حسینی، حسین (۱۳۸۵)، سیری در نظریه‌های مهاجر تفصلنامه راهبرد، شماره ۴۱.
- حبیب پور گنابی، کرم، غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست، (پژوهش زنان)، شماره ۱.
- رحمت، محمدرضا (۱۳۹۰)، پیشگیری از طریق معماری و شهرسازی؛ راهکارهای نوین پیشگیری از جرم، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- رفاهی، ژاله، گودرزی، محمود، میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، سال سوم، شماره اول.
- رودنسون، ماکسیم (۱۳۹۸)، اسلام و سرمایه‌داری، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر اندیشه احسان.
- رهبر، عباسعلی، انصاری، عاطفه (۱۳۸۷)، نسبت سنجی عقلانیت در سیره سیاسی-اجتماعی پیامبر (ص) با عقلانیت ابزاری، دوفصلنامه پژوهش سیاست، شماره ۲۶.
- زارتسکی، ایلا (۱۳۹۸)، سرمایه‌داری، خانواده و زندگی شخصی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- سگالن، مارتین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.

- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۹)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۹۱)، جامعه شناسی شهری، تهران: نشر علمی.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۳)، ارزش سنت و بازتولید فرهنگی؛ نشانه های شکاف بین ایده آل‌های دوجنس در خصوص بازتولید ارزش‌های مربوط به خانواده و ازدواج، مجموعه مقالات دومین همایش جمعیت شناسی با تاکید بر جوانان.
- علیمردانی، مسعود (۱۳۸۵)، سیر تحول پدیده شهر نشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسان دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۵۹.
- فروم اریک (۱۳۹۹)، داشتن یا بودن، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات فیروزه.
- فروم، اریک (۱۳۹۲)، جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، چاپ ششم، تهران: انتشارات بهجت.
- فولادیان، مجید، برادران کاشانی، زهرا، دیاری، مرتضی (۱۳۹۹) تحلیل جامعه شناختی وقوع رابطه فرزندناشویی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای، مسائل اجتماعی ایران، شماره ۲.
- قادرزاده، امید، محمدی، فردین (۱۳۹۶)، جوانان و روابط پیش از ازدواج، مطالعه کیفی زمینه‌های، تعاملات و پیامدهای آن، راهبرد فرهنگ، شماره سی و هشتم.
- قاسمی اردهایی، علی (۱۳۸۶)، تاثیر محل زندگی (روستا/شهر) بر زمان ازدواج زنان در ایران، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲.
- کرمی قهی، محمدمتقی، پایی نژاد، شهربانو، زمینه های اجتماعی- فرهنگی تک زیستی دختران، فصلنامه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، سال هفتم، شماره ۲۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هشتم، تهران: نشر مرکز.
- مایلز، استیون، مایلز، مالکوم (۱۳۹۲)، شهرهای مصرفی، ترجمه مرتضی قلیچ، محمدحسن خطیبی بایگی، تهران: انتشارات تیسرا.
- مجدالدین، اکبر، جمالی، احمدرضا، بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران، مجله جامعه شناسی دانشگاه آزاد آشتیان، ۱۳۸۶، شماره ۸.
- ممتاز، فریده (۱۳۹۰)، جامعه شناسی شهر، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مهدوی، سید محمدصادق، مشیدی، شهرزاد (۱۳۸۹)، تحول معیارهای همسرگزینی جوانان نسبت به والدینشان به تفکیک خاستگاه طبقاتی، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، شماره ۴.
- میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- وبر، ماکس (۱۳۹۰) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.